

## **Standardization of punishment mitigation management in Iranian law and how to Xapply it**

### **Abstract:**

The main purpose of establishing legal mitigation of punishment from the beginning until now is in line with the principle of individualizing punishments and correcting and rehabilitating offenders and preparing them to enter society and prevent recurrence of crime and keep non-professional offenders away from professional offenders in prison. It also reduces the burden on prisons and avoids miscellaneous costs without social benefits. Achieving this goal will not be achieved except with the approval of appropriate laws and the accurate and correct implementation of the mentioned laws by the judges of the courts of first instance, appellate courts and execution judges. In the meantime, the method used by judges in applying mitigation rules and commutation of punishments in various cases has been discussed in such a way that in many courts in Iran, various procedures are applied in this regard, which causes public concern. And it has confused the people and the jurists. Therefore, by examining the obstacles and problems in the implementation of the legal establishment of mitigation of punishment, one of the important issues that can be effective in reducing the recurrence of crime and also reducing the criminal population is mitigation of punishment. The main question posed in this article is how to reduce the standard and appropriate conditions for correction and rehabilitation of criminals and increase their skills to return to society on the one hand, and reduce the financial and psychological costs of imprisonment by establishing a legal punishment. On the other hand? Also, the present article seeks to achieve goals such as explaining the current status of laws passed since 1304 and their disadvantages and advantages, as well as the legal establishment of mitigation of punishment, principles and strategies to apply mitigation of punishment from the perspective of judicial practice as a method and tool to achieve The purpose of the legislator.

**Keywords:** salary, discount, court, punishment, offender

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.285482.1706>**استانداردسازی مدیریت تخفیف مجازات در حقوق ایران و چگونگی اعمال آن**حسین مظهري<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷

اکبر وروایی<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

**چکیده:**

هدف اصلی از تاسیس حقوقی تخفیف مجازات از ابتدا تا کنون در راستای اصل فردی کردن مجازات ها و اصلاح و باز پروری مجرمین و آماده کردن آنان جهت ورود به اجتماع و جلوگیری از تکرار جرم و دور نگه داشتن مجرمین غیر حرفه ایی از مجرمان حرفه ای در زندان و همچنین کاستن از بار مسئولیت زندان ها و دوری از هزینه های متفرقه و بدون بهره اجتماعی می باشد. رسیدن به این هدف جز باتصویب قوانین مناسب و اجرای دقیق و صحیح قوانین مذکور از سوی قضات دادگاه های بدوی، تجدیدنظر و دادیاران اجرای احکام محقق نخواهد شد. در این میان شیوه ی مورد استفاده از سوی قضات در اعمال مقررات تخفیف و تبدیل مجازات در موارد گوناگون محل بحث و بررسی بوده به نوعی که در بسیاری از دادگاه ها در ایران رویه های گوناگونی در این مورد اعمال می گردد که این امر باعث تشویش افکار عمومی و سر در گمی آحاد مردم و حقوق دانان گردیده است. لذا با بررسی موانع و مشکلات موجود در مسیر اجرای تاسیس حقوقی تخفیف مجازات یکی از مسایل مهم که می تواند در کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش جمعیت کیفری تاثیر گذار باشد، تخفیف مجازات است. سوال اصلی طرح شده در این مقاله این است که چگونه می توان با تاسیس حقوقی تخفیف مجازات شرایطی استاندارد و مناسب برای اصلاح و بازپروری مجرمان و افزایش مهارت های آنها برای بازگشت به دامن جامعه از یک سو، و کاهش هزینه های مالی و روانی زندان را از سوی دیگر فراهم آورد؟ همچنین مقاله حاضر در پی دستیابی به اهدافی مانند تبیین وضعیت موجود قوانین تصویب شده از سال ۱۳۰۴ تا کنون و نقایص و مزایای آنها و همچنین تاسیس حقوقی تخفیف مجازات، اصول و راهکارهای اعمال تخفیف مجازات از نگاه رویه قضایی است که به عنوان روش و ابزار جهت رسیدن به هدف قانونگذار باشد.

**کلمات کلیدی:** حقوق، تخفیف، دادگاه، مجازات، مجرم

۱- دانشجوی دکترای رشته حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲- استاد تمام دانشگاه رازی، گروه حقوق، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

یکی از مهمترین اصولی که در حقوق کیفری ایران مورد قبول واقع شده است، اصل فردی کردن مجازات است. قاضی کیفری موظف است با استفاده از ابزار خاصی که قانونگذار در اختیار او قرار داده است، به منظور تامین هر چه بیشتر اهداف مجازات، با در نظر گرفتن خصوصیات خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... متهم، مجازاتی متناسب با وضعیت وی مورد حکم قرار دهد و پس از صدور حکم نیز این وظیفه را ادامه دهد. موضوع تخفیف مجازات، از جمله موضوعاتی است که در دوره های مختلف روند متفاوتی را طی نموده است. به منظور جلوگیری از خودکامگی قضات، در بدو امر قانونگذار نظام مجازات ثابت را تصویب کرده بود، لکن با توجه به تحولات و پیشرفت هایی که در علوم جنایی و جرم شناسی حاصل شد، کمتر حقوقدانی یافت می شود که به کارآیی و سازنده بودن مجازاتهای ثابت اعتقاد داشته باشد. امروزه در سیستمهای مختلف حقوقی، نظام مجازات های دارای حداقل و حداکثر، پذیرفته شده و قاضی کیفری در صورت احراز ضرورت، حتی می تواند مجازاتی کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون را نیز مورد حکم قرار دهد یا اینکه آن را به مجازات متناسب دیگری تبدیل نماید.

### ۱- مفهوم اصطلاحی تخفیف

مفهوم اصطلاحی تخفیف در راستای معنوی لغوی آن است. از دیدگاه حقوقدانان، تخفیف مجازات به فرآیندی اطلاق می شود که به موجب آن دادگاه در مقام صدور حکم، مجازاتی کمتر از حداقل مقرر در قانون رادر مورد متهم تعیین می کند و یا در برخی موارد مجازات قانونی را به مجازات دیگری که مناسب تر به حال متهم باشد تبدیل می نماید<sup>۱</sup>. تخفیف مجازات عبارت از، کاستن میزان مجازات تعزیری یا بازدارنده ی متهمی که به جبهتی از جهات مخففه قانونی مستحق تخفیف است. بنابر این منظور از تخفیف مجازات، کاستن از میزان مجازات یک جرم در مورد محکوم ببه علت عذر های قانونی موجب تخفیف و یا اوضاع و احوال موجب تخفیف می باشد<sup>۲</sup>. منظور از تخفیف مجازات این است که قاضی میزان مجازات را از حداقل تعیین شده در قانون کم تر و خفیف تر نماید و الاحکم مجازات به حداقل قانونی، تخفیف مجازات محسوب نمی گردد.

### ۲- اقسام تاسیس حقوقی تخفیف مجازات

حقوق دانان، کیفیات مخففه مجازات را به دو دسته «کیفیات مخففه قانونی» و «کیفیات مخففه قضایی» تقسیم می کنند. با این توضیح که، گاهی قانون گذار به ضرورت به تخفیف مجازات حکم می کند که این گونه

۱- آقای نیا، حسین، تعلیق مراقبتی در دنیا، پژوهشی تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۶، صص ۵-۱۰

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۶۱۶

تخفیف را «کیفیات مخففه قانونی» می‌نامند و گاهی قاضی دادگاه اختیار تخفیف مجازات را پیدا می‌کند که آن را «کیفیات مخففه قضایی» می‌نامند.<sup>۱</sup>

## ۱-۲- تخفیف مجازات قانونی

معاذیر قانونی یکی از موارد تخفیف مجازات است که در قوانین متفرقه و قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. معاذیر قانونی، موجباتی است که در قوانین کیفری و در جرایم خاصی پیش بینی شده است و در صورت وجود آن‌ها، قاضی ملزم است که مجرم را از مجازات معاف کرده یا وی را مشمول تخفیف مجازات قرار دهد. در کیفیات مخففه قانونی، همین که قاضی یقین به اعمال آن‌ها پیدا کند، در زمان صدور حکم موظف است نسبت به اعمال این کیفیات اقدام نماید. معاذیر قانونی با جهات مخففه ی مجازات، تفاوت‌هایی دارد از جمله این که دادگاه ملزم به رعایت معاذیر قانونی است، اما برای اعمال جهات مخففه اختیار دارد، میزان تخفیف مجازات معمولاً در معاذیر قانونی مشخص می‌گردد، لیکن در جهات مخففه، تخفیف مجازات میزان مشخصی ندارد.

معاذیر قانونی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) معاذیر قانونی تخفیف دهنده، که به عنوان مثال می‌توان به تبصره ذیل ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> (کتاب پنجم تعزیرات) اشاره کرد. بر اساس این تبصره، در صورتی که مرتکب جرم موضوع ماده قانونی مذکور از بستگان درجه یک متهم باشد، میزان مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

ب) معاذیر قانونی معاف کننده که به عنوان مثال می‌توان به ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) اشاره کرد. مطابق این ماده قانونی، «هرکس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند، بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.»

## ۲-۲- تخفیف مجازات قضایی

علاوه بر کیفیات مخففه قانونی، کیفیات مخففه ی دیگری نیز وجود دارد که در اختیار دادگاه‌ها است و «کیفیات مخففه قضایی» نامیده می‌شود. اعمال این کیفیات، وقتی است که دادگاه‌ها به دلایلی صدور حکم مجازات مقرر قانونی را برای مجرم سنگین می‌دانند و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری می‌شناسند. هر

<sup>۱</sup> - نوبهار، رحیم. اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری در: غلامی، حسین و همکاران، اصل حداقل بودن حقوق جزا، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳، صص ۴۰۸-۴۰۷. و اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزایی عمومی، ج اول، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲. صص

۱۴۲-۱۵۰

<sup>۲</sup> - ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی

چند اعمال این کیفیات به نظر قاضی واگذار شده، اما این بدان معنا نیست که قاضی از اختیار تام جهت اجرای آن‌ها برخوردار است، زیرا در اینجا نیز قانون است که حدود اعمال این کیفیات را مشخص می‌سازد، چرا که اگر اختیاردادگاه‌ها در این مورد موسع باشد یا مسأله تخفیف به طور کامل به قاضی واگذار شود، امکان غلبه احساس و عاطفه بر عقل و قانون و اعمال سلیقه شخصی پیش می‌آید و خطر تزلزل قوانین جزایی زیاد خواهد بود، به همین دلیل قانونگذار جهات کیفیات مخففه قضایی را در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین و اعلام کرده است.

### ۳- اصل فردی کردن واکنش

مطابق اصل تناسب مجازات با مجرم، مجازات نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است. اصل فردی کردن مجازات‌ها که بیانگر این معناست، ناشی از تکامل حقوق کیفری در سیر توجه به فاعل عمل مجرمانه و شخصیت اوست. بر این اساس فردی سازی مجازات، تصحیح مجازات مبتنی بر نیازهای مجرم به عنوان یک فرد است. مهم‌ترین وجه فردی سازی مجازات در مرحله ی قضاوت مربوط به اختیارات قاضی در تعیین نوع و میزان مجازات است. در نظام کیفری ایران، نهاد توبه را نیز می‌توان یکی از اقدامات فردی سازی در مرحله قضاوت تلقی کرد. اختیار تعیین مجازات بین محدوده ی مشخص شده، انتخاب نوع مجازات، تبدیل مجازات، تقسیط مجازات و تشدید یا تخفیف قضایی مجازات‌ها از نمونه های شناخته شده این اختیارات در حقوق عرفی است.

### ۴- کیفر زدایی

اگر چه اصطلاح کیفر زدایی بیشتر در ادبیات مربوط به برنامه های کنترل اعتیاد (مواد مخدر و الکل) و جرایم جنسی (سقط جنین) استفاده می‌شود، مفهوم و گستره ی آن مورد اختلاف است، به گونه ای که سه رویکرد «مسیر محور»، «کامل» و «جزیی» در رابطه با مفهوم و گستره ی سیاست کیفر زدایی قابل تصور می‌باشد. در کیفر زدایی «مسیر محور»، مسیر رسیدگی های قضایی به گونه ای مدیریت می‌شود که در نهایت منجر به محکومیت کیفری و اعمال مجازات نشود. در این معنا، کیفر زدایی به طور تقریبی با مفهوم قضا زدایی پیوند می‌خورد<sup>۱</sup>. رویکرد کیفر زدایی «کامل»، با مفهوم جرم زدایی پیوند داده می‌شود. برخی تصریح کرده اند دو اصطلاح کیفر زدایی و جرم زدایی به جای یکدیگر استفاده می‌شوند از این رو دو اصطلاح مفهومی مشابه هستند<sup>۲</sup>. در رویکرد کیفر زدایی «جزیی»، کیفر زدایی به معنای کاهش سطح مجازات و اعمال کیفیات مخففه در

<sup>۱</sup> - نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات

کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷

<sup>۲</sup> - نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی ۱۳۹۳، ص ۹۰

مورد برخی از جرایم خاص (عموما جرایم خرد) در نظر گرفته شده است. در واقع این فرایند از طریق تعدیل کیفر گذاری و کیفر انجام پذیر دانسته می شود. بر این اساس، منظور از تعدیل کیفر گذاری (کیفر زدایی قانونی) آن است که مجازات یک جرم به لحاظ کیفیت یا کمیت در قانون تعدیل شود. در فرایند تعدیل کیفر دهی (کیفر زدایی قضایی یا واقعی) نیز با وجود آن که ضمانت اجرای کیفر یک جرم در قانون مشخص شده اند، به استناد همان قانون یا قوانین دیگر، نهاد ها و ساز کارهایی تعیین می شوند تا دادرس به طور اختیاری یا اجباری کیفر قانونی را مورد جرح و تعدیل قرار دهد تا از جنبه کیفی یا کمی شدت آن کاسته شود. از این رو، این نوع کیفر زدایی در اختیار دادرسان بوده و جنبه ی قضایی دارد.

### ۵- زندان زدایی

امروزه سیاست حبس زدایی به عنوان یکی از مصادیق کیفر زدایی، مورد توجه سیاست گذاران عمومی میباشد. توجه به آثار سوء مجازات حبس و توجه به این نکته که قانونگذار با وضع مجازات حبس به عنوان یکی از مجازات های اصلی از نظام حقوقی و قضایی اسلام فاصله گرفته<sup>۱</sup> باعث شده، امروزه در کنار سیاست های جرم زدایی و قضازدایی، سیاست کیفر زدایی نیز مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. یکی از بارزترین مصادیق سیاست کیفر زدایی تبدیل مجازات حبس به مجازات های جایگزین است که دارای آثار سوء کمتری می باشد. این راهبرد که در سیاست های کلی نظام مورد توجه قرار گرفته است در قوانین عادی نیز جلوه هایی داشته که از آن جمله می توان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اشاره کرد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار از سویی اقدام به وضع مقرراتی کرده است که موجب کاسته شدن میزان حبس ها می شود، و از سوی دیگر وضع برخی از مقررات از جمله معافیت از مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، نظارت الکترونیکی، مجازات های جایگزین حبس و اعمال کیفیات مخففه به حبس زدایی منتهی شده است.<sup>۲</sup>

### ۶- سیر قانونی تاسیس حقوقی تخفیف مجازات در ایران

در خصوص تاسیس حقوقی تخفیف مجازات، در کشور ما قوانین متعددی به تصویب رسیده که در این قسمت با رعایت اختصار توضیحاتی پیرامون این قوانین ارائه خواهیم داد:

#### ۶-۱- قوانین قبل از انقلاب ۱۳۵۷

#### ۶-۱-۱- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

۱ - حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰، ص ۶۸

۲ - در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مواد ۴۳ تا ۴۶ به تخفیف مجازات اختصاص داشت که بدلیل نسخ مقررات مذکور از بحث و بررسی دقیق آن خودداری و به ذکر مواد مربوطه اکتفا می کنیم<sup>۱</sup>.

ماده ۴۳- هیچ جنایت یا جنحه را نمی توان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آنرا قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است.

ماده ۴۳- در موارد جنایات، در صورتی که مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی مجازات باشد هیئت حاکمه می تواند مجازات های جنایی را بطریق ذیل تخفیف دهد:

۱- اعدام به حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه.

۲- حبس دائم با اعمال شاقه به حبس موقت با اعمال شاقه یا به حبس مجرد.

۳- حبس موقت با اعمال شاقه به حبس مجرد یا حبس تادیبی که کمتر از دو سال نباشد.

۴- حبس مجرد به حبس تادیبی که کمتر از شش ماه نباشد.

۵- تبعید به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین.

۶- محرومیت از تمام حقوق اجتماعی به بعض آن.

ماده ۴۵- در موارد جنحه اگر اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد، محکمه می تواند مجازات حبس تادیبی را تا هشت روز تخفیف داده یا آن را تبدیل به غرامت نماید.

ماده ۴۵ مکرر قانون مذکور نیز که در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۵ به تصویب رسیده است چنین مقرر می دارد: « در موارد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون، مجرم باید به حداکثر مجازات محکوم شود، هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند، می تواند مرتکب را به کمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را به کمتر از حداقل تنزیل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه می تواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یک درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد.»

ماده ۴۶- در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زنها، حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی شود و مجازات آنها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر اینکه حکم برای ارتکاب به قتل عمدی صادر شود.

#### ۶-۱-۲- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، مواد ۴۵ و ۴۶ به تخفیف مجازات اختصاص داشت که در مقررات سابق تغییراتی ایجاد کرد<sup>۲</sup>، مواد مذکور عیناً نقل می شود:

۱- مواد ۴۳ تا ۴۶ قانون مجازات عمومی

۲- مادتین ۴۵ و ۴۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲

ماده ۴۵ - در مورد جنحه و جنایت، دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می‌تولند مجازات را کمتر از میزانی که بموجب قانون باید حکم دهد به شرح ماده ۴۶ معین کند، کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود، علل و جهاتی است از قبیل:

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.
  - ۲- اظهارات و راهنمایی های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده، موثر باشد.
  - ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.
  - ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد.
  - ۵- وضع خاص شخص و یا حسن سابقه متهم.
  - ۶- اقدامات یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در احکام صریحاً قید کند.
- تبصره ۲- در مواردی که نظیر کیفیات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند بموجب همان کیفیت دوباره مجازات متهم را تخفیف دهد.
- ماده ۴۶ - دادگاه می‌تولند در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات های جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد مگر اینکه در قانون خلاف آن مقرر شده باشد:
- ۱- اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه ۱.
  - ۲- حبس دائم به حبس جنایی درجه ۱ یا درجه ۲.
  - ۳- حبس جنایی درجه ۱ به حبس جنایی درجه ۲ که بیش از سه سال نباشد یا حبس جنحه ای که کمتر از دو سال نباشد.
  - ۴- حبس جنایی درجه ۲ به حبس جنحه ای که بیش از دو سال و کمتر از شش ماه نباشد.
  - ۵- حبس جنحه ای تا حداقل حبس مزبور تا حداقل جزای نقدی.
- تبصره ۱- در مورد جزای نقدی نسبی، کیفیات مشدده و مخففه قابل اعمال نیست ولی در مورد جزای نقدی ثابت دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه جزای نقدی را اعم از اینکه توأم با حبس باشد یا نباشد تا نصف حداقل مقرر برای آن جرم و در صورتیکه بدون حداقل و حداکثر باشد تا نصف تخفیف دهد.
- تبصره ۲- در صورتی که مرتکب قبلاً با استفاده از کیفیات مخففه به جزای نقدی محکوم شده باشد دادگاه نمی‌تولند مجدداً بارعالیت تخفیف مجازات حبس او را به جزای نقدی تبدیل نماید مگر اینکه جرم ارتكابی قبلی غیر عمدی باشد.

در خصوص اعمال کیفیات مخففه در موارد تکرار و تعدد جرم که ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۳ در مورد آن تعیین تکلیف نموده بود، مقرراتی در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و تبصره ۳ آن ماده و نیز بند ح ماده ۳۲ قانون مذکور وضع گردیده که عیناً نقل می گردد<sup>۱</sup>:

ماده ۲۵- در مورد تکرار جرم بطریق زیر رفتار می شود:

اگر مجرم دارای سابقه محکومیت جنایی یا جنحه باشد و مرتکب جرم دیگری شود به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید محکوم می گردد، بدون آنکه از یک برابر و نیم حداکثر مذکور تجاوز کند در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه نمی تواند مجازات مرتکب را کمتر از یک برابر و نیم حداقل مجازات جرم جدید تعیین کند. در صورتی که جرم جدید نظیر یکی از جرائم سابق مجرم اعم از شروع و مباشرت و شرکت و معاونت در جرم باشد مجازات او بیش از حداکثر مجازات جرم جدید خواهد بود بدون آنکه از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز کند و در این مورد دادگاه نمی تولند با رعایت کیفیات مخففه مرتکب را به کمتر از دو برابر حداقل مجازات جرم جدید محکوم نماید، مگر آنکه دو برابر حداقل بیش از حداکثر مجازات باشد که در این صورت به حداکثر محکوم خواهد شد.

تبصره ۳ ماده مذکور نیز مقرر می دارد: در صورتی که مجازات جرم جدید اعدام یا حبس ابد باشد دادگاه می تواند در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات را یک درجه تخفیف دهد و در موردی که مجازات جرم جدید فاقد حداقل و اکثر باشد دادگاه با وجود کیفیات مخففه می تواند یک ربع از اصل مجازات حبس را تخفیف دهد.

بند ح ماده ۳۲ قانون مذکور نیز در خصوص اعمال کیفیات مخففه در مورد تعدد جرم مقرر می دارد: «در صورت وجود کیفیات مخففه در مورد تعدد جرم بطریق زیر تعیین مجازات خواهد شد<sup>۲</sup>:

۱- در مورد کسانی که تا سه جرم مشمول مقررات تعدد جرم مرتکب شده اند دادگاه می تواند مجازات را تا حداقل مجازات اصلی و اگر مجازات فاقد حداقل و اکثر باشد مجازات اصلی را تا نصف تقلیل دهد، در هر صورت مجازات را نمی توان کمتر از ۶۱ روز حبس جنحه ای تعیین کرد.

۲- در مورد کسانی که بیش از سه جرم مشمول مقررات تعدد جرم مرتکب شده اند دادگاه می تواند مجازات را تا یک برابر و نیم حداقل مجازات اصلی جرم تخفیف دهد و اگر مجازات فاقد حداقل و اکثر باشد می تواند ؟ آن را تخفیف دهد بدون اینکه در هیچ مورد از ۶۱ روز حبس جنحه ای کمتر باشد.

۲-۶- قوانین بعد از انقلاب

۲-۶-۱- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱

۱ - ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و تبصره ۳ آن ماده و نیز بند ح ماده ۳۲ قانون مذکور

۲ - ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی

پس از پیروزی انقلاب مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ از جمله مواد مربوط به تخفیف مجازات قانون مذکور تا سال ۱۳۶۱ لازم الاجراء بود تا اینکه در این سال در راستای ضرورت اسلامی شدن مقررات جزایی، قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید و جایگزین قانون مجازات عمومی گردید، در قانون راجع به مجازات اسلامی تقسیم بندی سابق جرائم به جنایت و جنحه و خلاف از بین رفت و جرائم به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم شدند. ماده ۳۵ این قانون به موضوع تخفیف مجازات اختصاص داشت. مطابق ماده مذکور<sup>۱</sup>: در مورد تعزیرات، دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می تواند مجازات را تخفیف دهد. کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود علل و جهاتی از قبیل:

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.
  - ۲- اظهارات و راهنمایی های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده موثر باشد.
  - ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.
  - ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد.
  - ۵- وضع خاص شخص و یا سابقه متهم.
  - ۶- اقدامات یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.
- تبصره ۲- در مواردی که نظیر کیفیات مخففه در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی تواند بموجب همان کیفیات دوباره مجازات را تخفیف دهد.
- تبصره ۳- در مورد تعدد جرم دادگاه می تواند علل مخففه را رعایت کند.
- در خصوص ماده مذکور توجه به نکات ذیل ضروری است:
- ۱- تخفیف مجازات در ماده مذکور، به جرائم تعزیری اختصاص دارد و در خصوص سایر جرائم مذکور در قانون راجع به مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات) امکان تخفیف مجازات وجود ندارد.
  - ۲- اعمال کیفیات مخففه در خصوص جرائم تعزیری از اختیارات دادگاه است.
  - ۳- مصادیق کیفیات مخففه در ماده مذکور بصورت تمثیلی بیان شده نه حصری و امکان این وجود دارد که محکمه جهات دیگری نیز به عنوان علل مخففه مد نظر قرار دهد.

<sup>۱</sup> - ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱

۴- برخلاف بند ۵ ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ که به حسن سابقه متهم به عنوان یکی از جهات تخفیف اشاره نموده است<sup>۱</sup>، در ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی به سابقه متهم اشاره شده است<sup>۲</sup>، سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که با توجه به تغییر مذکور، منظور از سابقه مذکور در ماده ۳۵ چیست؟ بنظر می رسد هر چند عبارت دو قانون فوق الذکر متفاوت می باشد و تغییر در عبارت ایجاد شده است، ولی در منظور قانونگذار تغییری ایجاد نشده است، به عبارت دیگر منظور قانونگذار از عبارت سابقه متهم در ماده ۳۵ سابقه ای است که به اتکاء آن می توان استحقاق متهم را در باب استفاده از تخفیف، استنباط نمود و بدیهی است که چنین سابقه ای جز حسن سابقه چیز دیگری نخواهد بود.

۵- هر چند مطابق تبصره ۳ ماده ۳۵، اعمال کیفیات مخففه در خصوص تعدد جرم صریحاً مجاز شمرده شده، لکن در خصوص تکرار جرم حکمی مقرر نگردیده است ممکن است تصور شود که از مفهوم مخالف تبصره مذکور میتوان ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در مورد تکرار جرم را استنباط نمود، لکن به نظرمی رسد این تصور صحیح نیست و حکم مسئله را از مفهوم مخالف تبصره مذکور نمی توان استنباط نمود. به تعبیر دیگر تبصره مذکور فاقد مفهوم مخالف است و باتوجه به عدم تصریح به ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در خصوص تکرار جرم، اعمال کیفیات مذکور بلامانع است و ذکر تبصره ۳ در خصوص تعدد جرم نیز از باب تاکید است. تفسیر به نفع متهم نیز موید این نظر است.

۶-۲-۲- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مطابق ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی، اعمال کیفیات مخففه در خصوص جرائم تعزیری بدون هیچگونه حد و حصری ممکن بود و دادگاه می توانست در صورت احراز جهات مخففه مجازات مرتکب را تا هر میزان که بخواهد تخفیف دهد<sup>۳</sup> یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل کند، مقررات ماده مذکور تا سال ۱۳۶۷ در خصوص کلیه جرائم تعزیری لازم الاجراء بود تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی رسید و محدودیت هایی در رابطه با اعمال ماده ۳۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص برخی از جرائم ایجاد نمود.

تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور در خصوص تخفیف مجازات جرم کلاهبرداری چنین مقرر می دارد: «در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.» بنابراین مطابق تبصره مذکور، دادگاه در صورت احراز جهات مخففه صرفاً می تواند مجازات مرتکب را تا حداقل مجازات حبس تخفیف دهد و نمی تواند

۱- بند ۵ ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲

۲- ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی

۳- ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی

حکم به کمتر از حداقل صادر نماید. البته با عنایت به مطالبی که سابقاً در خصوص اختیار دادگاه در تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر بدون توجه به کیفیات مخففه بیان کردیم، چنین نتیجه می‌گیریم که قانونگذار در این تبصره اصولاً اعمال تخفیف را ممنوع کرده است. نکته ای که لازم است به آن توجه شود این است که آیا جزای نقدی مثبت (معادل مال ماخوذه) که به عنوان یکی از مجازاتهای کلاهبرداری در ماده ۱ قانون مذکور مقرر گردیده است<sup>۱</sup> قابل تخفیف می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه از طرفی جزای نقدی در قانون مذکور مجازات ثابتی بوده و فاقد حداقل و حداکثر می‌باشد و از طرف دیگر در تبصره ۱ ماده قانون مذکور، با استعمال لفظ فقط اعمال تخفیف محدود به مجازات حبس، آن هم تا حداقل مجازات قانونی گردیده است، تخفیف مجازات مذکور صحیح به نظر نمی‌رسد، مضافاً اینکه غرض و مقصود قانونگذار از تصویب قانون مذکور، اعمال مجازاتهای شدید در مورد مرتکبین جرائم مندرج در قانون موصوف بوده و با برداشت فوق هماهنگی بیشتری دارد.

تبصره ماده ۲ قانون مذکور نیز در خصوص خرید و فروش موافقت اصولی یا سوء استفاده از آن و یا تقلب در توزیع کالا چنین مقرر می‌دارد: «در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.» همچنین تبصره ۶ ماده ۵ قانون مرقوم<sup>۲</sup>، در خصوص بزه اختلاس چنین مقرر می‌دارد: «در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.» با عنایت به اینکه در تبصره مذکور عبارت ... بنا به مورد حداقل انفصال موقت وی انفصال دائم قید شده این سؤال مطرح می‌شود که آیا لفظ حداقل به انفصال دائم نیز مربوط می‌شود یا اینکه صرفاً به انفصال موقت اختصاص دارد؟ برخی بر این باورند که قانونگذار در خصوص انفصال دائم نیز حداقل قائل شده است و حداقل مورد نظر در ماده ۵ قانون مذکور، پنج سال انفصال می‌باشد<sup>۳</sup>، بدین توضیح که حداکثر انفصال موقت پیش بینی شده در ماده مذکور (تبصره ۲) را به عنوان حداقل انفصال دائم محسوب می‌نمایند. این عقیده صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که اولاً انفصال دائم مجازاتی است ثابت و اساساً فرض وجود حداقل و حداکثر در خصوص آن منتفی است و ثانیاً عبارت «... بنا به مورد ...» که در تبصره ۶ ماده ۵ بیان شده است ناظر به موارد مختلف انفصال موقت (شش ماه تا سه سال و سه تا پنج سال) می‌باشد که در ماده مذکور و تبصره های آن مقرر گردیده است و منظور از موردهای مختلف، انفصال موقت و انفصال دائم نمی‌باشد و ثالثاً در تبصره ۱ ماده ۱ نیز لفظ انفصال<sup>۴</sup> دائم استعمال شده است در صورتی که در ماده مذکور اصولاً انفصال موقت پیش بینی نشده تا اینکه بخواهیم حداکثر مدت آن را بعنوان حداقل انفصال دائم محسوب

<sup>۱</sup> - ماده ۱ قانون مذکور

<sup>۲</sup> - تبصره ۶ ماده ۵ قانون

<sup>۳</sup> - ماده ۵ قانون مذکور

<sup>۴</sup> - تبصره ۱ ماده ۱

نمائیم و بالاخره موید دیگر اینکه در تبصره ۶ ماده ۵ قانون مرقوم، انفصال دائم به کمک لفظ یا از عبارت .... حداقل انفصال موقت تفکیک گردیده است.

۳-۶- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ با عنایت به اینکه قانونگذار در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱، تغییراتی در مجازات برخی از جرائم به وجود آورده، اشاره مختصری به قانون مذکور ضروری بنظر می رسد. مطابق بند ۱ تبصره ۱۷ قانون مذکور: در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس به جای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد<sup>۱</sup> و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد، در صورتیکه در موارد فوق حبس و یا سایر محکومیت های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی با جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد. بحث و بررسی دقیق پیرامون مقرر فوق الذکر و تشریح هدف قانونگذار از وضع آن، فرصت دیگری را می طلبد و از حوصله این مقاله خارج است، لکن به مقتضای موضوع مورد بحث ذیلاً به چند نکته اشاره می کنیم:

۱- پس از وضع قانون مذکور، در خصوص امکان اجرای ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی در خصوص مواردی که مشمول تبصره مذکور می گردد، نظریات مختلفی از طرف حقوقدانان ابراز گردید، گروهی معتقد بودند که تبدیلی که قانونگذار در تبصره ۱۷ مقرر کرده است خود از مصادیق تخفیف مجازات است و بدین دلیل چون اعمال ماده ۳۵ قانون فوق الاشعار به معنای تخفیف مجدد و مضاعف می باشد، فلذا اجرای ماده مذکور در خصوص موارد مشمول تبصره امکان پذیر نیست. درمقابل گروهی نیز معتقد به امکان اجرای ماده ۳۵ در خصوص موارد مشمول تبصره ۱۷ بودند. به نظر ما تبصره ۱۷ مجازات قانونی برخی از جرائم را تبدیل نموده و در خصوص برخی از جرائم نیز تبدیل را در اختیار دادگاه قرار داده است و در این موارد علی الاصول، رعایت ماده ۳۵ هیچگونه اشکالی ایجاد نمی کند. ظاهراً تفکیکی که در خصوص جواز و عدم جواز تخفیف به عمل آمده است ناظر به حبس و جزای نقدی است بدین توضیح که اعمال تخفیف در خصوص قسمت اخیر تبصره در مورد حبس جایز است و دادگاه می تواند حکم به کمتر از ۹۱ روز حبس صادر نماید، لکن در خصوص جزای نقدی اعمال کیفیات مخففه ممنوع است و دادگاه نمی تواند حکم به کمتر از ۷۰۰۰۱ ریال صادر نماید. به نظر می رسد، چنین تفکیکی فاقد مبنای حقوقی است چرا که مجازات حبس و جزای

۱ - قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱

نقدی بصورت تخییری مقرر شده و معلوم نیست به چه دلیل اعمال تخفیف در خصوص یکی از دو مجازات مذکور ممکن و در خصوص دیگری غیر ممکن است.

#### ۴-۶- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ مقرر گردیده است که: «دادگاه می تواند در صورت احراز کیفیات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از:

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.
  - ۲- اظهارات و راهنمایی های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است موثر باشد.
  - ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل: رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.
  - ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد.
  - ۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او.
  - ۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.
- تبصره ۲- در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می تواند جهات مخففه را رعایت کند.
- تبصره ۳- چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی تواند بموجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.»

ماده مذکور تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان اساس و محور تخفیف مجازات در حقوق ایران بوده و جایگزین برخی از مقررات سابق از جمله ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی شده بود. در مقام مقایسه بین ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی توجه به نکات ذیل ضروری است<sup>۱</sup>:

- ۱- برخلاف ماده ۳۵ که در آن تخفیف مجازات به مجازات های تعزیری اختصاص داشت، در ماده ۲۲ علاوه بر تعزیرات، به مجازات های بازدارنده نیز اشاره شده است. مجازات های بازدارنده از جمله مجازات هایی است که در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و ماده ۱۷ قانون مذکور نیز آن را تعریف کرده بود<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی

<sup>۲</sup> - ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی

۲- مطابق ماده ۲۲، دادگاه در مقام اعمال تخفیف می تواند مجازات تعزیری و یا بازدارنده را به مجازات متناسب دیگری تبدیل نماید در حالیکه در ماده ۳۵ از امکان تبدیل مجازات ذکری به میان نیامده بود البته باید دانست با توجه به اینکه تبدیل مجازات، خود از مراتب تخفیف می باشد، در زمان حاکمیت ماده ۳۵ نیز رویه قضایی تبدیل مجازات را پذیرفته بود، با وجود این به منظور رفع هرگونه شک و تردید ماده ۲۲ صریحاً به این موضوع اشاره نموده است.

۳- جهات مخففه در ماده ۲۲ بصورت حصری پیش بینی شده در حالیکه در ماده ۳۵ با ذکر عبارت از قبیل جهات مذکور بصورت تمثیلی پیش بینی شده بود. به جز موارد فوق الذکر، مادتين ۲۲ و ۳۵ از جهات دیگر یکسان بوده و اختلافی با هم ندارند و بدین جهت از توضیح بیشتر پیرامون آن خودداری کرده و صرفاً به چند نکته اشاره می کنیم:

الف: در خصوص تعارض مقررات ماده ۲۲ قانون فوق الذکر با مقررات تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و امکان جمع آنها دو نظریه ارائه شده است:

۱- برخی معتقدند با عنایت به اینکه قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و ... یک قانون خاص و ماده ۲۲ قانون فوق الذکر یک قانون عام است و عام موخر علی الاصول نمی تواند ناسخ خاص مقدم باشد، فلذا مقررات قانون تشدید به اعتبار خود باقی است.

۲- نظر دیگر که نگارنده نیز به آن معتقد است این است که با عنایت به ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد<sup>۱</sup>: کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است و اینکه مغایرت مقررات قانون تشدید با ماده ۲۲ امری بدیهی است، فلذا مقررات قانون تشدید در باب تخفیف مجازات به صراحت ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی منسوخ می باشد. تفسیر به نفع متهم نیز موید این نظر است.

ب: برخلاف آنچه در خصوص نسخ مقررات قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و ... در باب تخفیف مجازات گفته شد، در خصوص بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و ... همانطور که سابقاً گفتیم تعارضی بین مقررات مذکور و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مشاهده نمی شود و با اعمال ماده اخیر الذکر می توان مجازات را از حداقل مقرر در تبصره ۱۷ (۹۱ روز حبس و ۷۰۰۰۱ ریال جزای نقدی) نیز تقلیل داد یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل نمود اما باید توجه داشت که تبدیل مجازات در فرض اول و دوم تبصره ( مواردی که حداکثر مجازات جرمی ۹۱ روز حبس است و مجازات های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی) به مجازات اصلی (مجازات) که قبل از تبصره ۱۷ در قانون پیش بینی شده است، ممنوع است چرا که این امر موجب نقض غرض قانونگذار از تبدیل مجازات به شرح مقرر در تبصره ۱۷ می باشد.

ج: با عنایت به امکان تبدیل مجازات تعزیری و بازدارنده به مجازات متناسب دیگر در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و اینکه تعیین مجازات اخف و اشد در سیستم فعلی حقوق کیفری، با توجه به خصوصیات فرهنگی،

۱ - ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی

اجتماعی و اقتصادی و... متهم، بر عهده دادگاه می باشد.<sup>۱</sup> این سؤال مطرح می شود که چنانچه دادگاه مجازات متهم را تبدیل نماید و متهم در مقام اعتراض به حکم صادره مدعی شود که مجازات مقرر در حکم دادگاه متناسب با وضعیت وی نمی باشد و اجرای مجازات قانونی در خصوص وی مناسب تر است، تکلیف مرجع تجدید نظر چیست؟ به نظر می رسد، با توجه به اینکه انتخاب مجازات متناسب با دادگاه می باشد، مرجع تجدید نظر می تواند به ادعای متهم ترتیب اثر نداده و حکم دادگاه بدوی را تأیید نماید اما در صورتی که مرجع تجدید نظر ادعای متهم را صحیح تشخیص داده و مجازات مقرر در حکم بدوی را متناسب نداند، هیچ منعی برای پذیرش ادعای متهم و نقض حکم دادگاه بدوی و تعیین مجازات مناسب در مورد متهم وجود ندارد.

#### ۶-۵- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ در خصوص تبدیل مجازات حبس در دادگاه های نظامی مقررات خاصی را پیش بینی نموده است. مطابق ماده ۳ قانون مذکور<sup>۲</sup>: «دادگاه های نظامی می توانند مجازات حبس را با توجه به مراتب جرم، امکانات خاکی و کیفیات مخففه یا سایر اوضاع و احوال به مجازات تعزیری دیگری به شرح زیر تبدیل نمایند:

در مورد پرسنل وظیفه، مجازات حبس کمتر از یک سال به شلاق تا ۷۴ ضربه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال و حبس های بیشتر از یک سال به تبعید در حال خدمت یا اضافه خدمت حداکثر تا یک سال یا جزای نقدی از دویست هزار الی یک میلیون ریال. در مورد پرسنل کادر، حبس های کمتر از یک سال به شلاق تا ۷۴ ضربه یا جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا انفصال از خدمت به طور موقت حداکثر بمدت یک سال یا اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین یا انتقال به منطقه معین حداکثر بمدت ۶ ماه یا کسر حقوق به میزان یک سوم حداکثر به مدت ۶ ماه و یا تنزیل درجه یا محرومیت از ترفیع حداکثر تا یک سال یا حبس با خدمت حداکثر تا یک سال و در مورد حبس های یک سال تا دو سال به جزای نقدی از دویس هزار تا دو میلیون ریال، انفصال موقت یا انتظار خدمت حداکثر بمدت یک سال، اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین حداکثر به مدت دو سال، محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت دو سال تنزیل یک یا دو درجه یا محرومیت از تصدی بعضی از مشاغل و مسئولیتها حداکثر بمدت ۱۰ سال. پس از تصویب قانون مذکور، در خصوص قلمرو اجرایی ماده ۳ آن قانون و تعارض آن با ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و امکان جمع آن ها، نظریاتی از طرف حقوقدانان و مراجع قضایی ارائه شده است که در اینجا بدو<sup>۳</sup> به ذکر چند نکته ای پیرامون ماده ۳ ق.م.ج.ن.م پرداخته و مورد بررسی قرار خواهیم داد:

<sup>۱</sup> - ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی

<sup>۲</sup> - ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸

۱- اعمال مقررات ماده ۳ صرفاً در خصوص دادگاه های نظامی است و چنانچه پرسنل نیروهای مسلح مرتکب جرمی که در صلاحیت سایر محاکم کیفری است بشوند، دادگاه های مذکور در مقام تخفیف مجازات نمی توانند به ماده ۳ استناد کنند و می بایست به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی استناد نمایند.

۲- ماده ۳ صرفاً ناظر به تبدیل مجازات حبس می باشد و تبدیل سایر مجازاتها از قبیل شلاق و جزای نقدی و... کماکان مشمول ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی است.

۳- دادگاه های نظامی در صورتی در مقام تبدیل مجازات حبس می تواند به ماده ۳ استناد کنند که متهم نظامی باشد و در مواردی که دادگاه های مذکور به اتهام متهم غیر نظامی رسیدگی میکنند (مانند رسیدگی به اتهام شریک یا معاون جرم)، در مقام تبدیل مجازات حبس می بایست به ماده ۲۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مراجعه نمایند و نمی توانند به استناد ماده ۳ مجازات حبس را تبدیل نمایند.

#### ۶-۶- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: « در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند<sup>۱</sup>:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه ۱ تا ۴

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال

ت- تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر»

تخفیف مجازات مخصوص مجازات های تعزیری است و در حدود، قصاص و دیات اعمال نمی شود زیرا مجازات های آنها ثابت هستند و امکان تغییر در آن وجود ندارد<sup>۲</sup> (رجوع شود به ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی) با توجه به بند اول ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، امکان تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی یا سایر مجازات ها وجود ندارد. تقلیل مقرر در بند «ت» ماده ۳۷ نیز به معنای کاهش مدت حبس، نه اینکه تبدیل آن به جزای نقدی یا سایر مجازات ها. البته به موجب همین بند «ت» ماده ۳۷ امکان تبدیل مجازات شلاق به جزای نقدی {جریمه نقدی} وجود دارد. البته در خصوص مجازات حبس درجه ۸ { یعنی حبس تا ۳ ماه} از آنجایی که موضوع از مصادیق بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی است، بنابراین، دادگاه مکلف به تبدیل آن به جزای نقدی {جریمه نقدی} است. در خصوص پرونده های مشمول مقررات تکرار جرم، تخفیف مجازات فقط در قالب تقلیل امکان پذیر است و تبدیل ممکن نیست (رجوع شود به ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی). در خصوص پرونده های مشمول

<sup>۱</sup> - ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

<sup>۲</sup> - ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی

مقررات تعدد جرم، تخفیف مجازات به موجب تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ممکن خواهد بود؛ لذا ماده ۳۷ در اینجا کاربردی ندارد. تخفیف مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص اطفال و نوجوانان بر اساس ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی امکان پذیر خواهد بود، نه ماده ۳۷.

«ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی: جهات تخفیف عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری موثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله شده از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده، در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.»

۶-۷- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

آخرین مقرر قانونی تصویب شده در خصوص اعمال تخفیف در حقوق موضوعه ایران قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است و حال آنکه این قانون معیار خاصی را برای کاهش مجازات حبس دنبال نکرده است. مثلاً معلوم نیست چرا مجازات آدم ربائی با وسایل نقلیه یا ادم ربائی با فریب و نیرنگ (بدون عنف و تهدید) بایستی مجازات کمتری از آدم ربائی با تهدید و عنف داشته باشد؟ بویژه اینکه وقتی کودکان (اشخاص زیر پانزده سال) مورد آدم ربائی قرار می‌گیرند؟ علی القاعده برای ربودن کودکان در هر حال (خواه با نیرنگ و فریب و یا با تهدید و عنف) باید مجازات سنگین اعمال شود نه اینکه ربودن کودکان بی پناه که آسیب جدی روانی به آن‌ها و خانواده هایشان وارد می‌شود، به صرف اینکه با عنف و تهدید نبوده، مجازات کمتری از ربودن بزرگسال (با عنف و تهدید) داشته باشد. یا مثلاً معلوم نیست چرا طبق بند "ت" ماده یک "قانون کاهش مجازات حبس"، قانونگذار مجازات حبس جرم "تخریب اموال منقول و یا غیر منقول (تا سقف ۰۰۰/۰۰۰"

۱۰۰/ ریال) " را کلاً حذف نموده است؟ و به جای حبس فقط جزای نقدی تا میزان دو برابر معادل خسارت وارده را تعیین نموده است؟! همچنین معلوم نیست براساس چه معیاری مجازات حبس و شلاق جرم " افترا<sup>۱</sup> (موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی) و یا " توهین و فحاشی"<sup>۲</sup> (موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی) که می تواند به اشخاص صدمات حیثیتی و روانی زیادی وارد سازد کلاً حذف گردیده است؟ و فقط جزای نقدی از ۲ میلیون تا هشت میلیون تومان تعیین شده است؟ همچنین معلوم نیست چرا بایستی میزان حبس جرم چراندن محصول دیگری یا تخریب یا خشکاندن تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان دیگری یا جرم قطع محصولات یا دروی محصولات دیگری که ممکن است کل دارائی یک باغدار یا زارع باشد و آسیب جدی به زندگی وی وارد شود یا، بایستی از شش ماه تا سه سال به شش ماه تا دو سال تقلیل یابد؟! در ماده ۱۱ " قانون کاهش مجازات حبس"<sup>۳</sup> (ناظر به ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) جرائم ذیل که قبلاً جرم عمومی تلقی می شوند<sup>۴</sup> و بدون شکایت شاکی خصوصی، با شکایت مدعی العموم قابل تعقیب و پیگیری بودند<sup>۵</sup>، دیگر جنبه عمومی ندارند و صرفاً با شکایت شاکی قابل تعقیب هستند و با انصراف یا گذشت وی نیز متوقف می شوند:

- ۱ - جرم جعل یا تزویر و استفاده از سند یا نوشته های غیر رسمی (موضوع ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی)
- ۲ - جرم توهین به مقامات و روسای سه قوه و ... (ماده ۶۰۹)
- ۳ - مزاحمت تلفنی (موضوع ماده ۶۴۱)
- ۴ - فریب در ازدواج (موضوع ماده ۶۴۷)
- ۵ - سوء استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء (موضوع ماده ۶۷۳)
- ۶ - جرم خیانت در امانت (موضوع ماده ۶۷۴)
- ۷ - آتش زدن اشیاء منقول متعلق به دیگری (موضوع ماده ۶۷۶)
- ۸ - تکرار جرم تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق (بعد از اجرای حکم اولیه)<sup>۵</sup> (موضوع ماده ۶۹۳)
- ۹ - ایجاد نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن بدون آنکه عضو از کار بیافتد یا ... وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی به جهت بی احتیاطی یا بی مبادلاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسیله نقلیه موتوری.
- ۱۰ - ایجاد صدمه بدنی به جهت بی احتیاطی یا بی مبادلاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسیله نقلیه (موضوع ماده ۷۱۷)

۱ - ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی

۲ - ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی

۳ - ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی

۴ - ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس

۵ - ماده ۶۹۳ قانون مجازات اسلامی

- ۱۱ - هتک حیثیت اشخاص بوسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری یا تخریب آن یا نشر آن با علم به تحریف آنها<sup>۱</sup> (موضوع ماده ۷۴۴)
- ۱۲ - جرم انتقال مال غیر و کلاهبرداری به شرطی که مبلغ آن از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان بیشتر نباشد (موضوع ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری)
- ۱۳ - کلیه جرائمی که در حکم کلاهبرداری محسوب هستند (بدون رعایت حد نصاب)
- ۱۴ - سرقت غیر حدی موضوع ماده ۶۵۶ بشرط اینکه ارزش مال مورد سرقت بیش از ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری باشد.
- ۱۵ - ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جیب بری و امثال آن به شرط اینکه ارزش مال مورد سرقت بیش از ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری باشد. (موضوع ماده ۶۵۷)
- ۱۶ - ربودن مال دیگری<sup>۲</sup> (غیر مشمول ماده ۶۵۶ و ۶۵۷) به شرط آنکه ارزش مال مورد ربایش بیش از ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری باشد.
- ۱۷ - شروع و معاونت در تمام جرائم قابل گذشت موضوع ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی
- ۱۸ - کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال همانطور که ملاحظه می شود، دقیقا معلوم نیست چرا این دسته از جرایم به یکباره قابل گذشت اعلام شده اند ولی جرایم مشابه این جرایم هنوز غیر قابل گذشت میباشند؟! مثلا معلوم نیست چرا جرم جعل و تزویر سند و نوشته های غیر رسمی (موضوع ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی) قابل گذشت اعلام شده است<sup>۳</sup> ولی چرا جعل مهر یا منگنه و علامت شرکتهای غیر دولتی (موضوع ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی) نباید قابل گذشت باشد؟! این تبعیض ناموجه واقعا غیر قابل دفاع است بویژه آنکه بسیاری از جرائم مشابه، بالعکس غیر قابل گذشت و عمومی اعلام شده اند.
- در ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی)، کاهش مجازات و اعمال کیفیات مخففه پیش بینی گردیده و چنین مقرر شده است<sup>۴</sup>:
- «ماده ۶- ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود<sup>۵</sup>:
- ماده ۳۷- در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

<sup>۱</sup> - ماده ۷۴۴ قانون مجازات اسلامی

<sup>۲</sup> - ماده ۶۵۶ و ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی

<sup>۳</sup> - ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی

<sup>۴</sup> - ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی

<sup>۵</sup> - ماده ۶- ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛  
 ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛  
 پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛  
 ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛  
 ث- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛  
 تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود»  
 همانطور که ملاحظه می‌شود در این ماده قانونی از قانون کاهش مجازات حبس، دست قاضی، در جرائم غیر قابل گذشت باز گذاشته است که تحت شرایطی به مرتکب جرم ارفاق کند.

### نتیجه‌گیری

با بررسی مقرراتی که در خصوص تخفیف مجازات به تصویب رسیده و همچنین آرای که در این زمینه از مراجع قضایی صادر گردیده است به این نتیجه می‌رسیم که رعایت برخی اصول و قواعد در این زمینه لازم و ضروری است که ما در اینجا به اختصار توضیحاتی پیرامون آن بیان خواهیم کرد:

الف) عدم شمول تعیین کیفر میان حداقل و حداکثر مجازات به عنوان تخفیف، تعیین کیفر میان حداقل و حداکثر مجازات قانونی جرم، از اختیارات دادگاه بوده و در این خصوص نیازی به رعایت کیفیات مخففه و یا مشدده نمی‌باشد. در مواردی که مجازات جرمی دارای حداقل و حداکثر بوده و دادگاه در حکم خود به جهات و کیفیات مخففه اشاره نموده و ماده مربوط به تخفیف را نیز، ذکر نماید، موظف است مجازات را از حداقل مقرر در قانون کمتر تعیین کند و یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل نماید. تخلف از این امر موجب بی اعتباری و نقض حکم صادره خواهد بود. وقتی که دادگاه مورد را قابل تخفیف بداند تعیین حداکثر مجازات بی تناسب و موجب نقض حکم است عدم رعایت تخفیف درباره متهمی که دادگاه قابل تخفیف دانسته باشد موجب شکست حکم است. اگر با وجود بودن علل مخففه در نظر دادگاه و رعایت آن و استناد به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، معذک دادگاه حداکثر مجازات جرم را تعیین کند، این تخلف حکم را از اعتبار می‌اندازد. در صورتی که محکمه مدلول ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی را درباره متهم اعمال نماید، صدور حکم مجازات بین حداقل و حد اکثر بی مورد و قابل نقض خواهد بود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی

ب) الزام دادگاه به تعیین مجازات کمتر از حداقل، در صورتی است که مجازات جرمی دارای حداقل و حداکثر باشد و اگر فرضاً در مواردی نظیر ماده ۸۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مجازات مرتکب حداکثر مجازات قانونی تعیین شده باشد، در این صورت با اعمال کیفیات مخففه ممکن است مجازات مرتکب را از حداکثر تخفیف داده و او را به مجازاتی ما بین حداقل و حداکثر و یا کمتر از حداقل محکوم نمود و صدور حکم ما بین حداقل و حداکثر در این موارد قانونی می باشد.

پ) عدم ذکر جهات و موجبات تخفیف، علاوه بر اینکه موجب بی اعتباری حکم صادره می باشد، تخلف انتظامی محسوب و موجب محکومیت انتظامی قاضی صادرکننده حکم خواهد بود. در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که هر چند عدم ذکر علل مخففه در حکم، تخلف انتظامی محسوب می شود، اما چنانچه دادگاه علل و موجبات تخفیف را در حکم ذکر نماید لکن اشاره ای به ماده مربوط به تخفیف نکند. این امر تخلف انتظامی محسوب نمی گردد. علل و موجباتی که به منظور تخفیف مجازات در حکم دادگاه ذکر می گردد.

ت) نباید محرز و مطابق با محتویات پرونده باشد و چنانچه محتویات پرونده با آنچه دادگاه به عنوان جهات تخفیف در حکم خود ذکر نموده است تعارض داشته باشد مثل اینکه دادگاه به فقد سابقه کیفری و معیل بودن متهم استناد نماید در حالی که متهم دارای سوابق بوده و عائله ای نیز نداشته باشد، این امر موجب بی اعتباری و نقض حکم خواهد بود.

#### منابع:

۱. آقایی نیا، حسین، تعلیق مراقبتی در دنیا، پژوهشی تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۶. صص ۵-۱۰
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزایی عمومی، ج اول، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳
۳. ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان، ۱۳۸۲، ج اول، ص ۱۲۰
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۶۱۶
۵. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۶. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲
۷. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸

<sup>۱</sup> - ماده ۸۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

۸. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱
۹. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸
۱۰. نوبهار، رحیم. اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری در اصل حداقل بودن: غلامی، حسین و همکاران، ۱۱. حقوق جزا، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
۱۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۳